

چرا مسئولان وزارت نیرو باید از افزایش بهره‌وری آب در کشاورزی هراسان باشند؟

مریم حسینی

پژوهشگر مسائل آب



مورد نیاز صنایع و خدمات با رویکرد اشتغال مولد کشور» وضع کرده است؛ که طی آن فروش و انتقال آب را برای مصارف خدمات، شرب، صنعت، فضای سبز شهرداری‌ها مجاز شمرده است. قابل تأمل است در آن فروش و انتقال آب کشاورزی برای سایر مصارف اجازه داده شده، اما در مورد فروش و انتقال آب کشاورزی برای مصرف کشاورزی سکوت می‌کند!! اینکه هر گونه مصرفی را بهینه دانسته جز مصرف کشاورزی نشان از چه دارد؟! آیا ترجیح فضای سبز شهری بر معیشت هزاران کشاورز نشانی جز شهر دوستی، صنعت دوستی و کشاورز ستیزی تکنوکرات‌های پایتخت نشین وزارت نیرو دارد؟!!

با توجه به عنوان دستورالعمل مذکور، وزارت نیرو اشتغالزایی بخش صنعت و خدمات را نسبت به کشاورزی بیشتر می‌پندارد، از همین رو می‌خواهد این ده درصد، تنها مشتری آب کشاورزی، «که مصرف‌کننده ۹۰ درصد آب کشور است»

که این کشاورز بخواهد برای بهره‌وری بالاتر، افزایش تولید و حفظ سرمایه گذاری اش آب‌ها را جابه‌جا کند و انتقال به زمین دیگر بدهد با ممانعت وزارت نیرو مواجه می‌شود!

مجریان وزارت نیرو برای این ممانعت، به مواد ۲۷ و ۲۸ قانون توزیع عادلانه آب استناد می‌کنند و مدعی هستند که اختیار اجازه انتقال آب درون حوضه‌ای از حیطة اختیارات این وزارتخانه خارج است.

اما با یک نگاه ساده به این مواد متوجه می‌شویم تصمیم‌گیری در خصوص اجازه انتقال آب درون حوضه به وزارت نیرو سپرده شده است. در حالی وزارت نیرو از این عمل طفره می‌رود که خود دستورالعملی را در تاریخ ۹۳/۴/۱۶ با عنوان «در راستای اصلاح ساختار مصرف و ارتقای بهره‌وری به ازای هر واحد مصرفی آب، دستورالعمل اصلاحی مواد ۲۷ و ۲۸ قانون توزیع عادلانه آب را برای ایجاد سهولت در تامین آب

همزمان با آشکار شدن وضعیت وخیم منابع آب زیرزمینی کشور، مسئولان و کارشناسان وزارت نیرو، که خود مسئول حفظ بیلان آب و مسئول صدور مجوزهای برداشت آب بیش از بیلان بودند، بخش کشاورزی را با اظهاراتی نظیر «مصرف‌کننده بیش از ۹۰ درصد آب کشور»، «عملکرد نسبتاً پایین تولید» و یا «بیشترین هدر رفت آب در این بخش» به عنوان متهم اصلی ایجاد بحران آب معرفی می‌کنند.

بی‌تردید سهم بالای آب در کشوری که اقتصاد آن مبتنی بر کشاورزی بوده، اجتناب‌ناپذیر است ولی آنچه اهمیت پیدا می‌کند، توجه به عوامل و سیاست‌هایی است که زمینه ساز عدم کارایی آب در بخش کشاورزی ایران شده است. می‌توان گفت اتهام امروز مسئولین؛ ماحصل سال‌ها حکمرانی بد در آب و صدور مجوز بیش از توان سفره بوده که فرجام آن توسعه بی‌رویه کشت محصولات آب بر حتی در اراضی نامرغوب بوده است.

امروز که دفاع از بخش صنعت سرلوحه تصمیمات دولتمردان شده، به نظر می‌رسد متهم کردن کشاورزان صرفاً دست‌آویزی است تا به هزینه بخش کشاورزی، سهم بخش صنعت از منابع آبی کشور را افزایش دهند. رویکردی که اندکی تدقیق در آن نشان می‌دهد نه تنها بر مبانی نادرست استوار است بلکه بر اساس اغراض خاص و با سیاست کشاورز ستیزی برای پاک کردن کارنامه‌ای پر از خطا و قصور طرح ریزی شده است.

دلیل این امر را می‌توان در نوع برخورد تکنوکرات‌های وزارت نیرو با این بخش یافت، که جهت روشنگری به برخی از این موارد پرداخته می‌شود؛

الف) جلوگیری از ارتقای بهره‌وری آب در بخش کشاورزی با ممانعت از انتقال آب درون حوضه‌ای

فرض کنید کشاورزی مالک دو قطعه زمین مجاور هم است، که هر دو از دو منبع آبی متفاوت که به این کشاورز تعلق دارد مشروب می‌شوند. در صورتی

باشند! به عبارتی دیگر با این انحصار، به دنبال تأمین آب ارزان قیمت برای مصارف غیر کشاورزی است، چرا که با اجازه انتقال و خرید و فروش آب درون حوضه‌ای برای همه مصارف و تشکیل بازار آب بدون نیاز به دخالت و ایجاد سازوکارهای قدرت طلبانه و انحصاری وزارت نیرو، آب ارزش ذاتی خود را پیدا می‌کند.

حمایت همه جانبه تکنوکرات‌های دولتی از بخش صنعت در حالی است که بازدهی این بخش آنقدر اندک است که بقاء این صنایع در گرو تعرفه‌های سنگین گمرکی و تخصیص یارانه‌های عظیم انرژی است!!

طرفه آنکه ممانعت از انتقال آب درون حوضه‌ای در حالی صورت می‌گیرد که حمایت بی دریغ وزارت نیرو از طرح های انتقال حوضه به حوضه آب و طرح های انرژی بر شیرین سازی و انتقال آب دریا، علی رغم مخالفت ها و نگرانی های بسیار نسبت به پیامدهای زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی آن صورت می‌گیرد.

آیا نباید دلیل حمایت از صنعت و این چنین پروژه‌هایی را در رانت و درآمد زایی که برای بروکراسی دولتی دارند جستجو کرد؟

آیا در ورای این ممانعت، می‌توان چیزی جز سوق دادن کشاورزان به سوی ورشکستگی و بی‌ارزش کردن پروانه های بهره برداری آنها برای پاک کردن مسئولیت سوء مدیریت این وزارتخانه متصور بود؟ چرا که با اجازه انتقال آب درون حوضه مستمسکی همچون بهره وری پایین آب در بخش کشاورزی را از دست می‌دهند.

ب) داستان پر آب چشم هندوانه گواهی بر این مدعا

سرگذشت پر فراز و نشیب هندوانه نمونه بارزی از ناکارآمدی و عدم درک صحیح بروکراسی دولتی از بخش کشاورزی است که نتیجه‌ای جز ضرر و خسارت عاید دیگری برای کشاورزان به همراه نداشته است. برای کشاورزان هندوانه کار تحمل رنج کشت و اما و اگرهای زمان فروش کم نبود که تصمیمات خلق الساعه و بی منطق کارگزاران دولتی آسیب های خانمان براندازی به این قشر زحمتکش تحمیل کرده است.

بازخوانی داستان تلخ هندوانه گواهی بر

این مدعاست؛ در حالی چند سال گذشته آتش انتقادات مسئولان و کارشناسان به «آب‌بر بودن محصول هندوانه» شعله ور شده، که در واقع این محصول برخلاف ظاهر آبدارش جزو محصولات پر بازده و کمترین نیاز به آب است. حیرت آور اینجاست که کارگزاران دولتی با برگزاری همایش‌ها، بخشنامه‌ها، دستورات کتبی، تشکیل گروه‌های گشت و بازرسی و با ارباب و تهدید، کشاورزان را از کاشت هندوانه منع می‌کنند و پیشنهاد جایگزینی کاشت گندم و ذرت دانه‌ای که جزو محصولاتی که برای تولید هر کیلو نیاز به مصرف آب بیشتری نسبت به هندوانه دارند را می‌دهند.

دولتمردان آنچنان در عزم خود راسخ بودند که حتی پای قوه قضائیه را هم در تهدید کشاورزان به نکاشتن هندوانه باز می‌کنند.

تکفیر کشت هندوانه تا جایی ادامه داشت که وزرای کشاورزی و نیرو در بازدید مشترک از شهرستان پیشوا در تاریخ ۹۴/۴/۱۲ با کشت هندوانه مخالفت کردند. محمود حجتی گفت: «ترجیح می‌دهیم محصولاتی در کشور تولید شوند که دارای مزایای نسبی، ارزش افزوده و کمترین نیاز به آب باشند.» و حمید چیت‌چیان با استناد به «بررسی دقیق» و «محاسبات علمی» و «کارشناسی شده» در زمینه تولید و صادرات برخی محصولات کشاورزی اظهار داشت: «حقیقتاً صادرات هندوانه به علت اینکه برای تولیدش باید میزان زیادی آب مصرف شود عاقلانه و منطقی نیست.» نکته جالب اینکه در آبان ماه سال ۹۴ عباس کشاورز معاون وزیر کشاورزی با استناد به بررسی‌ها و تحقیقات صورت گرفته در معاونت زراعت وزارت جهاد کشاورزی، اعلام کرد: «هندوانه جز محصولات آبربر نیست.»

در پاییز ۹۵ مقاله‌ای با عنوان «معرفی و ارزیابی معیارهای الگوی کشت» از سوی اندیشکده تدبیر آب ایران منتشر شد که نشان می‌داد، هندوانه از جمله محصولاتی است که بیشترین مزیت و کمترین نیاز به آب و بیشترین ارزش افزوده به ازای هر متر مکعب آب مصرف شده در بین محصولات زراعی را دارد. این مطالعه نشان می‌دهد؛ سیاست منع کشت هندوانه که ظاهراً با انگیزه حفظ ذخایر آبی کشور اتخاذ شده است؛ در

واقع چنانچه ۲۱ میلیارد متر مکعب آب مجازی ۱۳ میلیون تن گندم مورد نیاز سالانه کشور، در صورتی که با ارزش حاصل از کشت و صادرات هندوانه تأمین گردد، مقدار آب مجازی صادر شده کمتر از ۴ میلیارد متر مکعب خواهد بود. به زبان ساده‌تر تأمین گندم مورد نیاز کشور از ارزش حاصل از صادرات هندوانه به معنی صرفه‌جویی در مصرف آب گرانبه‌ای داخلی به میزان بیش از ۱۷ میلیارد متر مکعب در سال می‌باشد.

تاسف آور است که همچنان بعد از اعلام مسئولان وزارت جهاد بر بهره‌وری بالای هندوانه به ازای مصرف هر متر مکعب آب، متولیان آب، کشاورزان را تهدید و ارباب می‌کردند. به عنوان نمونه در اسفند ۹۵ رئیس شرکت آب منطقه‌ای کهگیلویه و بویراحمد تابع وزارت نیرو اعلام کرد حکم قطع برق ۱۴۰ نفر از کشاورزان که «قصده» کشت هندوانه در سال جاری را دارند، گرفته شده است! و همچنین در فروردین ۹۶ شورای تأمین و کارگروه کشاورزی، آب و منابع طبیعی شهرستان فراهان با برگزاری جلسه‌ای، ممنوعیت کشت هندوانه را طی اطلاعیه‌ای منتشر می‌کنند!

باید پرسید این اصرار وزارت نیرو بر آبربر بودن هندوانه و ممانعت از کاشت آن چه دلیلی دارد؟ چرا وزارت نیرو باید مخالف کاشت هندوانه که جزو محصولاتی است که بیشترین ارزش افزوده و کمترین نیاز به آب را دارد، باشد؟ نه این است که دیگر نمی‌تواند با تمسک به پایین بودن بهره‌وری آب در کشاورزی، آب این بخش را به صنعت تخصیص دهد.

آیا این عملکرد تکنوکرات‌های دولتی که با ادعای «بررسی دقیق، محاسبات علمی و کارشناسی شده» صورت می‌گیرد و خسارت‌های اقتصادی هنگفتی را به کشاورزان بی‌پناه تحمیل می‌کنند نباید مشمول ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی شوند و از منابع شخصی خود جبران خسارت کرده و تاوان دهند؟ مواد دیگر این قانون که مربوط به بخش خصوصی است به شدت اجرا می‌شود، شاید اگر این ماده یک بار اجرا می‌شد به این سرانجام نمی‌رسیدیم.

ج) برنامه‌های وزارت نیرو برای کاهش آب کشاورزان

وزارت نیرو که کشاورزان را متهم اصلی وضعیت وخیم منابع آبی می‌داند



در مورد دشت رفسنجان نگاهی بیاندازیم بهتر این موضوع را درک می‌کنیم: آب قابل برنامه‌ریزی کشاورزی برای دشت رفسنجان ۲۷۷ میلیون مترمکعب است در حالی که میزان برداشت چاههای کشاورزی رفسنجان ۵۴۰ میلیون متر مکعب اظهار شده است، بنابراین برای رسیدن به آب قابل برنامه‌ریزی باید ۵۰ درصد از پروانه چاه‌های کشاورزی تعدیل شود. تعداد چاههای کشاورزی در دشت رفسنجان ۱۳۷۴ حلقه است بنابراین با تعدیل ۵۰ درصدی برداشت آب، متوسط برداشت آب از هر چاه حدود ۶ لیتر بر ثانیه می‌شود. آیا صرف می‌کند کشاورزان رفسنجان ۶ لیتر بر ثانیه را از عمق ۲۰۰ متری زمین با آن همه تجهیزات و صرف انرژی بیرون کشند؟! آیا این اقدام زیرو بی ارزش کردن تمام پروانه چاه‌های کشاورزی نیست؟ این بدان معناست که سرمایه‌گذاری هنگفتی که کشاورزان در باغریزی با تحمل رنج و زحمت فراوان کرده‌اند باید خشکانده شود. این سوال را باید پرسید که آیا کشاورزان باید تاوان قصور و عدم انجام وظیفه قانونی تکنوکراتهای وزارت نیرو را بدهند؟ طنز جانکاه روزگار ما است که وزارت نیرو که مسبب اصلی وضعیت موجود منابع آب کشور است امروز در لباس طبیب حاذق می‌خواهد وضعیت وخیم آب کشور را بهبود بخشد!!

در تهیه این مقاله از مستندات زیادی استفاده شده است که در صورت نیاز قابل ارائه هستند. لازم به ذکر است انتشار این مقاله در وبسایت انجمن پسته ایران با درج کلیه ارجاعات خواهد بود.

توزیع عادلانه آب» بر اساس تبصره ذیل ماده ۳، تعداد ۴۲۲ حلقه چاه عمیق جدید در این دشت ممنوعه بحرانی مجوز قانونی دریافت کردند. محاسبه نشان می‌دهد جمع تعداد واحدهای بهره‌برداری مجاز از منابع آبی این دشت می‌بایستی جمعا ۷۴۱ واحد باشد. اما در سال ۱۳۹۴ تعداد چاههای عمیق دارای مجوز قانونی در دشت رفسنجان ۱۴۴۵ حلقه اعلام و در حدود ۱۴ رشته قنات نیز در این تاریخ هنوز مورد بهره‌برداری بودند، بنابراین تعداد واحدهای بهره‌برداری مجاز جمعا بالغ بر ۱۴۵۹ واحد شده‌اند؟! باید پرسید که اگر واحدهای مجاز در پی تصویب دو قانون فوق جمعا ۷۴۱ واحد بودند، چه تشبثات و توجیحاتی موجب صدور مجوز ۷۱۸ حلقه چاه جدید در کمترین ارزش بازاری حدود ۲۱۵۰ میلیارد تومان در دشت ممنوعه رفسنجان گشته است؟! آیا تکنوکرات‌های وزارت نیرو نباید بر اساس ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی برای صدور این میزان پروانه بیش از توان سفره مورد مؤاخذه و محکوم شوند؟ از طرفی وزارت نیرو در قوانین و دستورالعمل‌های خود راهکاری‌هایی چون خرید چاه و جایگزینی پساب با آب کشاورزی و بستن چاههای غیرمجاز برای کاهش برداشت آب دارد اما چرا به جای اینکه میزان برداشت بیش از اندازه آب قابل برنامه‌ریزی را از طرق مذکور کاهش دهد می‌خواهد از میزان برداشت همه پروانه چاه‌های کشاورزی کم کند؟

مع الاسف تکنوکرات‌های کشاورز ستیز وزارت نیرو کمر همت به ورشکستگی و آوارگی کشاورزان بسته‌اند. اگر به آمار ارائه شده از سوی آب منطقه‌ای کرمان

دستورالعمل‌ها و طرح‌هایی را بدون پشتوانه قانونی برای کاهش آب کشاورزی تدوین کرده است. یکی از این‌ها، کاهش آب کشاورزی به میزان آب قابل برنامه‌ریزی است. اجرای این عمل به گونه‌ای است که در برخی دشت‌ها رسیدن به میزان آب قابل برنامه‌ریزی باید ۷۵ درصد میزان برداشت پروانه یا

نیمی از آن کاهش یابد. اینکه برداشت از منابع آبی باید به میزان آب قابل برنامه‌ریزی باشد یکی از دلایل اصلی ورود دولت و وزارت نیرو در ۵ دهه اخیر در مسئولیت حفاظت از منابع آبی بوده است و در این راستا قوانینی تدوین شد که اجازه برداشت بیش از توان سفره‌ها داده نشود. باید پرسید این اصل مهم که وظیفه ذاتی وزارت نیرو در حفظ منابع آبی بود چطور سه چهارم یا نیمی از میزان پروانه‌های صادره بیش از توان سفره است؟ آیا این بدین معنا نیست که وزارت نیرو در انجام وظیفه اصلی خود قصور کرده و پروانه‌هایی صادر کرده که از میزان آب تجدیدپذیر و قابل برنامه‌ریزی بیشتر بوده است.

برای درک بهتر این موضوع آمار صدور پروانه در دشت رفسنجان قابل توجه است؛ در زمان ممنوعه اعلام شدن این دشت (سال ۱۳۵۳) تعداد ۱۵۹ حلقه چاه عمیق و نیمه‌عمیق و تعداد ۱۶۰ رشته قنات وجود داشت، بنابراین به تبع قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷ در زمان اعلام ممنوعیت در دشت رفسنجان جمعا تعداد ۳۱۹ واحد بهره‌برداری قانونی در این دشت موجود بوده است. از آنجا که به گزارش شرکت آب منطقه‌ای کرمان در پی تصویب «قانون